**میر نجات اصفهانی**

**کیوان، مجتبی**

بر آرامگاه استاد البشر و عقل هادی عشر آقا حسین خونسازی در اصفهان بقعتی و گنبدی‏ است از عهد صفویه که اخیرا تعمیر آنرا آغاز کرده‏اند و امیدست که انجام پذیرد.

در سایهء دیوار شرقی بقعه سنگ قبری است که از چند جهت جالب توجه است:

1-سنگ در شکل و هیأت و تراش و کتابت عینا مانند سنگ مزار مولانا صائب است‏ و گرچه مثلثی از گوشه راست بالا شکسته و از میان رفته و کمر سنگ نیز بطور افقی شکاف‏ برداشته و قسمتی از خطوط هم ز باران و هم از تابش آفتاب سائیده شده ولی میتوان آنرا تعمیر کرد و نگاه داشت امیدوارم در پایان تعمیر بقعه و گنبد آقا حسین این کار را بکنند.

2-مزار از امیر نجات اصفهانی شاعر اواخر صفویه است که نام او در تذکره نصرآبادی‏ چاپ مرحوم وحید میر عبد العال،و در تذکره حزین چاپ مرحوم الفت عبد المعالی و در مقالهء آقای گلچین معانی در شماره هشتم سال هیجدهم مجله یغما میر عبد المعالی ذکر شده‏ ولی در روی سنگ تنها از او میر نجات یاد شده است.

این یک بیت از خود شاعر در بالای سنگ در یک سطر نقش است:

شد باعث غفلت مرا آگاهی از آمرزشت‏ برده است خواب راحتم در سایهء دیوار تو

که«شد»و«غ»غفلت با شکستگی سنگ از میان رفته ولی در تذکره حزین همین بیت موجود است. ذیل بیت مذکور یک رباعی در چهار مصراع زیر هم و یک سطر هم نام نویسنده حجاری شده است:

چون میر نجات از اصفهان کرد عبور شد جای غزل مرثیه‏خوانی دستور درضمن دعا اثر تباریخش گفت‏ با سید کائنات بادا محشور

نمقه خادم السادات محمد صالح غفر له 1121

و در حاشیهء راست و چپ سنگ نیز هرسوی پنج مصرع از آثار خود شاعر با خط نستعلیق خوب نوشته شده است:

آنرا که محبت تو باشد شایستهء حضرت تو باشد من کیستم و گناه من چیست‏ تا مانع رحمت تو باشد سررشته نیستی«و هستی» در قبضهء قدرت تو باشد از ذره گرفته تا بخورشید در ظل حمایت تو باشد پیوسته نجات لاابالی‏ مست می وحدت تو باشد در تذکره‏ها هرجا نامی از میر نجات برده‏اند او را بحسن اخلاق و ادب ستوده‏اند و اشعار او نیز تاجائیکه در دسترس است بی‏لطف نیست و اگر جناب گلچین معانی مساعدت‏ میفرمودند تا دیوان میر نجات توأم با منظومه‏های مسیر السالکین و گل کشتی که نسخهء منحصر بفرد آن در کتابخانهء دوست دانشمند ایشان آقای عبد الحسین بیات است،چاپ و منتشر می‏شد منتی بر دوستان شعر و مخصوصا ارادتمندان اصفهانی خود می‏گذاشتند.

3-گمان میرود شاعری که رباعی بالا را در رثاء و ماده تاریخ میر نجات گفته شفیعای‏ شیرازی متخلص به اثر شاعر نابینا و روشن‏دلی باشد که همزمان با میر نجات و شیخ محمد علی‏ حزین بوده و مدتها در اصفهان اقامت داشته است.

4-محمد صالح که کاتب نقش سنگ است همان خوش‏نویس نامدار عهد صفوی است که‏ سنگ مزار مولانا صائب را نیز با خط نستعلیق خوب در شهر جمادی الاول سنه 1087 نوشته‏ و سنگ میر نجات را(که همزمان و مداح صائب بوده)در 1121 کتابت کرده است.

محمد صالح اصفهانی خوشنویسی نامور بود.که آثار خط فاخر او در غالب بناهای‏ تاریخی اصفهان دیده می‏شود و غالبا نام خود را در کتیبه‏ها با خضوع و با اضافاتی گونه‏گون‏ ذکر کرده و اولین تاریخ تحریر او 1038 در کتیبه بالای محراب مرمر و کتیبه داخل‏ محراب گنبد شرقی مسجد شاه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی است و محمد صالح اصفهانی امضا کرده و در سال 1039 در کتیبهء سردر بقعه عارف مشهور بابا رکن الدین‏ کلب الفقرا محمد صالح الاصفهانی الموسوی و آخرین اثر او بسال 1122 دو بیت است که با خط نستعلیق سفید نوشته و بر سردر مسجد علیقلی آقا موجود و ماده تاریخ آن«رحمت حق‏ وقف این مسجد بود»مطابق 1122 است.

بنابراین آثار قلم محمد اصفهانی شامل زیباترین خط ثلث و نستعلیق که در دل‏ سنگ و کاشی نفیس مرقعات مرغوب اکنون موجود است و شرح آن در کتاب بسیار مغتنم‏ آقای دکتر هنرفر و دیگر مآخذ مکتوب حاصل هشتادو چهار سال کار و فعالیت اوست.

محمد صالح فرزند میرزا ابو تراب اصفهانی مشهور برئیس الخطاطین بوده و اگر اظهار نظر آقای دکتر هنرفر را در اینکه محمد صالح درک شاگردی میر عماد قزوینی(مقتول بسال‏ 1024)را کرده است مورد توجه قرار دهیم که کتیبه‏های مورخ بسال 1038 1039 نیز مؤید آن است و تاریخ فوت او را نیز بسال 1130 بدانیم(نگاشته دکتر مهدی بیانی)عمر این خوشنویس نامدار و پرکار مبلغی بیش از یکصد سال خواهد شد.رحمة اللّه.

5-مطلب دیگری که بادقت در سنگ میر نجات جلب توجه میکند این است که وسط سنگ در قسمت پائین که مانند سنگ مزار مولانا صائب خالی گذاشته شده‏[و بطوریکه استاد بزگوار امیری فیروزکوهی در مقدمه دیوان صائب نوشته‏اند شاید برای شمع و چراغ و جزوه‏های قرآن کریم و یا گلکاری و تزیین بوده و شاید طبق سنت قدیم و جاری که برروی‏ مقابر آب می‏پاشند که روح مردگان سیراب شود بدین منظور بوده‏]،صد سال بعد بوسیلهء یکی از احفاد او مورد استفاده قرار گرفته است.اکنون در گودی سنگ عباراتی است که عینا و با همان املا نقل می‏شود.

«وفات مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه میر رحیم ابن مرحوم سید محمد بن‏ مرحوم میر رحیم ابن میر کمال بن میر نجات.چهار بیت متوسط نیز بوزن و قافیه اشعار میر نجات در همان گودال نقش شده که دو بیت آن نمونه است:

من عاصی و رافع گناهم‏ وابستهء نصرت تو باشد! اندیشه چرا کنم ز دوزخ‏ آنهم ز ولایت تو باشد!

فی شهر ذیقعدة الحرام 1224

خدا همه ما را از اخلاق بی‏ذوق و کوردل که از گور تنگ و دو وجب سنگ ما هم چشم‏ برنمیگیرند نجات دهد نه چنانکه میر نجات را.

بیاد برادرم

چند سالی پیش ناگاهان، برادرم از جهان رفت.

مرگ او را دائما در پیش چشم خویش می‏دارم.

موج دریا و،فضای پهن دشت و،بانگ مرغان، گردش باغ و نوای جویباران، جلوه‏های گون‏گون آسمان با اختران و آفتاب و ماهتابش.

دوستی با نیک‏مردان و بزرگان و حکیمان؛ همدمی با دلبران و مهوشان و باده‏خوران؛ شاید از یاد وی‏ام غافل نمایند.

لیک،هرگاه از کتابی تازه و بامغز و با معنی، بهره‏ور گردم، آرزوها می‏کنم که: ای کاش بودی زنده و می‏خواند آن را.